



پیشنهاد برگزاری رفراندوم سیر تحولات را تسریع کرد.
الاس موری، کاردار سفارت آمریکا در تهران از تجمع نیروهای نظامی در خارج از ساختمان مجلس و شلیک گلوله گزارش می‌دهد: «وکلاي مجلس با شنيدن صدای چند گلوله در نزدیکی مجلس، که احتمالاً از روی عمد، و برای ارباب آنها و خاتمه مذاکرات غیرضروری شلیک شده بود، سراسیمه «دامه جلسه را به روز دیگری موکول» کردند.» موری گزارش می‌کند روز بعد نمایندگان مجلس به یک میهمانی عصرانه دعوت شده بودند: «بعد از ظهر روز ششم، مورخ ۳۰ اکتبر، به نمایندگان پیام دادند که به خانه رئیس‌الوزرا بروند. در آنجا از آنها خواسته شد قول بدهند به نفع این لایحه (برکناری خاندان قاجار از سلطنت) که فردای همان روز به مجلس ارائه شد رأی خواهند داد. از قرار معلوم نمایندگان مجلس هم خیلی عجلانه «رنگ عوض کردند» و البته شکی نیست که به انحاء مختلف تطمیع و تهدید شده بودند که فقط خشونت فیزیکی کم داشت.» با وجود اینکه هنوز رئیسی برای مجلس انتخاب نشده بود، ۳۱ اکتبر ۱۹۲۵، مجلس با ۸۰ رأی موافق در مقابل ۵ رأی مخالف، خاندان قاجار را عزل و «امور دولت موقت را به شخص رضاخان پهلوی واگذار» کرد. روزنامه ایران تصویب لایحه سی و یکم اکتبر را اینگونه گزارش می‌کند:

قبل از اینکه مجلس به لایحه پیشنهادی (در ارتباط با برکناری خاندان قاجار و انتصاب آقای پهلوی در رأس دولت موقت) وارد شود، مدرس پیشنهاد کرد استعفاي آقای مستوفی از ریاست نوشته قرائت شود و اقدام لازم در این باره صورت بگیرد. (موری: بر اساس آیین‌نامه‌های مجلس، این مساله ضرورتاً موجب موکول شدن مذاکرات مجلس به روزهای آتی و مانع از هرگونه اقدامی پیش از انتخاب رئیس مجلس ظرف ۳ روز آینده می‌شد). وکلا پیشنهاد مدرس را رد کردند و دلایل‌شان هم این بود که نامه‌ای که آقای مستوفی نوشته صراحتاً دال بر استعفاي ایشان نیست، (موری: اما این نامه واقعاً از استعفاي مستوفی حکایت داشت و ادعای مجلس فقط بر اساس عبارات مغلق و مبهمی بود که در نامه به کار رفته بود)، زمانی که رئیس مجلس استعفا می‌داده، روال بر این بوده است که پیش از قرائت استعفانامه، نمایندگان تلاش کنند رئیس مجلس استعفایش را پس بگیرد و بحرانی جدی کشور را فرا گرفته و این وظیفه مجلس است که برای پایان دادن به آن فوراً دست به کار شود. مدرس، تقی‌زاده، مصدق (مصدق‌السلطنه) و دولت‌آبادی می‌گفتند لایحه پیشنهادی غیرقانونی است. علاوه بر این تقی‌زاده، علا و مصدق این لایحه را برخلاف میل مجلس استعفايش را پس بگیرد پیشنهاد کرد جهت یافتن راه‌حل قانونی برای این مشکل، کمیته‌ای تشکیل شود. نمایندگان مذکور پس از ایراد سخنانی در مخالفت با لایحه پیشنهادی، محن مجلس را ترک کردند. سیدیعقوب، داور و یاسایی از سرسخت‌ترین مدافعان این لایحه بودند. آنها برای اثبات قانونی بودن این لایحه به تلگرام‌های اشاره کردند که از ایالات و ولایات مختلف رسیده بود و از وخامت اوضاع کشور خبر می‌داد. علاوه بر این، آنها اصلاحاتی را که مجلس در سال ۱۹۰۹ به واسطه ارسال تلگرام از گوشه و کنار

کشور در قانون اساسی صورت داد به منزله سلبقهای برای این کار متذکر شدند (موری: در آن مورد خاص، یک شاه قانونی مراحل کار را تصویب کرد). با اینکه مصدق چنین اقدامی را غیرقانونی خوانده بود، صلاحیت‌های بی‌نظیر آقای پهلوی و کاستی‌های شاه برکنار شده را انکار نکرد. او گفت پادشاه شدن آقای پهلوی درست نیست، زیرا در یک کشور مشروطه شاه فاقد اختیاراتی است که مردی مثل آقای پهلوی برای خدمت به ملت لازم دارد. اگر او را پادشاه کنیم و همزمان اجازه بدهیم که ریاست وزرا و ریاست مجلس به معنای پادشاهی آقای استبدادی مطلق بر کشور حکمفرما خواهد شد. او با اشاره به چند اصل بسیار مفید از قانون اساسی اظهار داشت دور از وطن‌پرستی است که با متوسل شدن به روش‌های غیرقانونی برای اصلاح قانون اساسی از ارج و قرب آن در نظر جهانیان بکاهیم. در پاسخ، داور گفت تصویب این لایحه در مجلس به معنای پادشاهی آقای پهلوی نیست… مجلس مؤسسان باید در این باره تصمیم بگیرد. مجلس فقط درصدد برکنار کردن سلسله قاجار است، آن هم به دلیل آنکه مردم ایالات و ولایات مختلف مملکت این را خواسته‌اند… مجلس باید با این اوضاع خطرناک مقابله کند. او به نمایندگان اطمینان داد تصویب لایحه پیشنهادی موجب تضعیف قانون اساسی نخواهد شد. پس از اینکه لایحه به تصویب رسید، تدین، نایب رئیس مجلس، اعلام کرد این اقدام به معنی انحلال مجلس نیست… مجلس تا پایان دوره دو ساله‌اش، حتی پس از تشکیل مجلس مؤسسان، به کار خود ادامه خواهد داد.

روزنامه ایران در همین شماره می‌نویسد: «ساعت ۵ بعد از ظهر دیروز هیأت‌رئیسه مجلس به همراه نمایندگان به ملاقات آقای پهلوی رفتند و نایب اول ریاست مجلس مصوبه مجلس را مبنی بر پایان سلطنت قاجاریه و انتصاب رئیس‌الوزرا به ریاست دولت موقت تقدیم رضا [خان] کرد. نایب رئیس مجلس طی نطق کوتاهی امیدواری نمایندگان مجلس به اینکه دولت رضاخان رفاه و سعادت را برای مردم ایران به ارمان بیاورد ابراز کرد. آقای پهلوی نیز در پاسخ از این اقدام «مهم و تاریخی» مجلس تقدیر و اظهار امیدواری کرد مجلس پنجم در آینده نیز همچون گذشته، در خدمت به کشور توفیق یابد. او اظهار داشت پایان سلطنت خاندان قاجار آغاز زندگی جدیدی برای ایرانیان است. تدین از جانب نمایندگان مجلس از آقای پهلوی خواست نسبت به مقامات و کارمندان تهدیدست‌شده دربار ملاطفت به خرج دهد و مستمری ایشان را قطع نکند. او همچنین تقاضا کرد مجرمان سیاسی دستگیر شده در حوادث اخیر آزاد شوند و مورد بخشش قرار گیرند. آقای پهلوی به‌رغم آنکه طبق گفته خود، تدین از این مجرمان به دلیل تلاش برای جلب حمایت بیگانگان به اعدام محکوم شده بودند، هر دو تقاضای او را پذیرفت. سپس رئیس نظمیه را احضار و دستور «عفو عمومی» را صادر کرد». روزنامه سناره ایران در تاریخ

اول نوامبر ۱۹۲۵ گزارش کرد روز گذشته ژنرال مرتضی [یزدان‌پناه]، فرماندار نظامی تهران، کاخ سلطنتی را از «ولیعهد سابق» تحویل گرفت؛ ولیعهد نیز تهران را به مقصد سلطنت‌آباد (خانه ییلاقی خود) ترک کرد. روزنامه ایران نیز در شماره مورخ ۲ نوامبرش خبر داد ولیعهد سابق روز شنبه ۳۱ اکتبر، راهی اروپا شد. موری در این‌باره توضیح می‌دهد: «در واقع ولیعهد را ظاهراً در شرایط بسیار تحقیرآمیزی به بغداد فرستادند. می‌گویند او را رفتیش بدنی کردند و عملاً هیچ پول و حتی اسباب سفری در اختیارش نگذاشتند.» ۲ سال بعد، در گفت‌وگویی میان «یک ایرانی سرشناس» و دیوید ویلیامسن، کاردار آمریکا، خاطره حوادث ۳۰–۲۹ اکتبر ۱۹۲۵ تجدید می‌شود: «خیراً یک ایرانی سرشناس در گفت‌وگویی که داشتم اوضاع را اینطور جمع‌بندی کرد: هر زمان که دولت خواهان تصویب لایحه‌ای باشد، شاه نمایندگان مجلس را به کاخش دعوت و برای‌شان سخنرانی می‌کند- و لایحه هم تصویب و تبدیل به قانون می‌شود- آنها یادشان نرفته است وقتی را که نمایندگان از دستورات سرپیچی کردند و مجلس به محاصره سربازان درآمد. این دولت ارباب است و قانونی خواندنش مضحک و خنده‌آور.»

رضاخان که اکنون سرمست پیروزی بود، اعلامیه‌ای منتشر کرد. موری گزارش می‌دهد: روزنامه ایران (۲ نوامبر) متن اعلامیه آقای پهلوی، رئیس دولت موقت و ریاست عالیه کل قوا را منتشر کرده است، مبنی بر اینکه اسرار رفتار و کار او چنین خواهد بود: ۱- اجرای بی‌چون و چرای قوانین شرع مقدس اسلام، و ۲- تضمین رفاه عمومی. او متذکر می‌شود فرمانروایان پیشین از اجرای این اصول مهم کاملاً غفلت ورزیده بودند… او در آغاز این عصر جدید حیات ایران، خود را جدا ملزم به رعایت قوانین دینی می‌کند. بنا به دستور او قیمت هر من (۶ پوند) نان چهار شاهی (حدود ۲ سنت) کاهش می‌یابد و او وعده می‌دهد به محض اینکه شرایط مهیا شود، قیمت نان را کمتر خواهد کرد. او همچنین دستور می‌دهد تمام مغازه‌های مشروب‌فروشی، قمارخانه‌ها و مراکز منافی عفت تعطیل شود… روزنامه ایران (۳ نوامبر): متن نامه آقای پهلوی خطاب به مجلس را منتشر می‌کند که در آن آقای فروغی (ذکاءالملک) به عنوان کفیل ریاست وزرا به مجلس معرفی کرده است. آقای پهلوی در نامه خود اظهار می‌کند سایر اعضای کابینه در مقام خود

■ ■ ■

**تلگرام‌های موری شناخت بیشتری نسبت به اوضاع ارائه می‌دهد. تلگرام او در ۳۰ اکتبر ۱۹۲۵ از این قرار است: *تظاهرات‌های اخیر مردم علیه قاجار علی‌الظاهر خودجوش است اما واقعیت این است که تمام آنها را رئیس‌الوزرا طراحی می‌کند که هر روز گسترده‌تر و بیشتر هم می‌شوند و شواهد حاکی از آن است که ناآرامی‌های فعلی شاید بهانه‌ای برای فعالیت‌های غیرقانونی جهت بالا بردن مقام رئیس‌الوزرا به قیمت حذف سلسله قاجار فراهم آورد***

باقی خواهند ماند… روزنامه ایران (۶ نوامبر): مجلس روز گذشته پذیرای آقای پهلوی بود. در این جلسه تدین خطاب به او اظهار داشت نمایندگان از اینکه سعادت و رفاه ملت را به ایشان واگذار کرده‌اند بسیار راضی‌اند. آقای پهلوی نیز در پاسخ گفت در آینده نزدیک دست به اصلاحات اقتصادی، قضایی و آموزشی خواهد زد (توضیح: این جلسه در ساختمان جدید کتابخانه مجلس برگزار شد. در این جلسه پهلوی در حکم میهمان افتخاری، اکثر وکلاي مجلس، مقدمات دولتی، «مغذین» و همه سفرای خارجی حضور داشتند. روزنامه شفق سرخ (۵ نوامبر): گروهی از تجار که روز گذشته به دیدار آقای پهلوی رفته بودند، از ایشان ۵ تقاضا داشتند: ۱- تسریع ساختمان خط آهن ۲- تضمین عدالت قضایی ۳- اجرای آموزش اجباری ۴- تبدیل پایه پول رایج ایران از نقره به طلا ۵- پرداخت صدقه بانک ایران شده به منظور اجباری کردن آموزش باید معلم بیشتری استخدام شود. (توضیح: «گروه تجار» مذکور بدون شک «گرنیش» شده بودند)… روزنامه شفق سرخ (۱۲ نوامبر)

خبر می‌دهد که تلگرام‌های جدیدی از برخی ایالات رسیده است مبنی بر اینکه مردم بی‌صبرانه منتظر پادشاه شدن آقای پهلوی و تاجگذاری او هستند. در تلگرامی از تبریز آمده است نیازی به تشکیل مجلس مؤسسان نیست. با این حال، روزنامه مذکور در سرمقاله خود ضرورت تشکیل چنین مجلسی را متذکر شده است. روزنامه شفق سرخ (۱۶ نوامبر): روز گذشته آقای پهلوی از رژه قشون سان دید؛ در این مراسم ژنرال مرتضی [یزدان‌پناه]، فرمانده نیروهای نظامی تهران، از آقای پهلوی خواست پادشاهی مملکت ایران را بپذیرد. پهلوی این درخواست را رد کرد و گفت بعداً در جلسه‌ای با افسران قشون درباره این موضوع صحبت خواهد کرد… روزنامه ایران (۱۶ نوامبر) اعلامیه‌ای از سوی رئیس دولت منتشر می‌کند که در آن تمام مقامات دولتی ملزم به رعایت عدالت شده‌اند… رئیس دولت از هر گونه شکایتی که علیه مقامات دولتی به دستش برسد استقبال و شخصاً آنها را پیگیری خواهد کرد… دفاتر پستی سراسر کشور موظفند بدون دریافت وجه این عرضیه‌ها را ارسال کنند و در مناطقی که دفاتر پستی وجود ندارد، صندوق‌های ویژه‌ای برای ارسال چنین عرضیه‌هایی نصب خواهد شد. البته افرادی که بی‌مورد دست به شکایت بزنند، بشدت مجازات خواهند شد. (توضیح: این ژست بیشتر شبیه خیرخواهی یک پادشاه مستبد عهد عتیق است تا رفتار یک حاکم مشروطه دوران مدرن. مردم می‌گویند احتمالاً این بند آخر همه شاکیان احتمالی را وحشتزده و از ارسال عریضه منصرف خواهد کرد).

تلگرام‌های موری شناخت بیشتری نسبت به اوضاع ارائه می‌دهد. تلگرام او در ۳۰ اکتبر ۱۹۲۵ از این قرار است: «تظاهرات‌های اخیر مردم علیه قاجار علی‌الظاهر خودجوش است اما واقعیت این است که تمام آنها را رئیس‌الوزرا طراحی می‌کند که هر روز گسترده‌تر و بیشتر هم می‌شوند و شواهد حاکی از آن است که ناآرامی‌های فعلی شاید بهانه‌ای برای فعالیت‌های غیرقانونی جهت بالا بردن مقام رئیس‌الوزرا به قیمت حذف سلسله قاجار فراهم آورد». نخستین تلگرام موری در ۳۱ اکتبر از این قرار است: «اعلام پادشاهی رئیس‌الوزرا یا حداقل تشکیل مجلس مؤسسان به این منظور قریب‌الوقوع به نظر می‌رسد. به‌رغم ظواهرات تصنعی در حمایت از رئیس‌الوزرا هیچ‌یک از آنها اعتنایی ندارد ولی نبود همکاری و رهبری مؤثر در میان عناصر مخالف باعث شده این جریان از پیروزی خود مطمئن شود. چمبرلین هم طی پیامی که توسط وزیر مختار بریتانیا به وزیر خارجه [ایران] تسلیم شد بر بی‌طرفی کامل دولت بریتانیا در این بحران تأکید کرده است. به نظر می‌رسد روس‌ها در نهان از این حرکت حمایت می‌کنند. سفارت‌های اروپایی هم موارد ناقض قانون را مانعی جدی در پذیرش چنین رژیم جدیدی نمی‌بینند. به وزارت خارجه توصیه می‌کنم تا زمان روشن شدن اوضاع وزیرمختار در بیروت بماند». تلگرام دوم موری در ۳۱ اکتبر: «مجلس امروز بعدازظهر قانون زیر را به تصویب رساند: ۸۰ رأی موافق، ۵ رأی مخالف و ۳۰ غایب. «به نام سعادت مردم، مجلس شورای ملی خاندان قاجار را مخلوع اعلام و در حدود قانون اساسی و سایر قوانین ریاست دولت موقت را به شخص رضاخان پهلوی واگذار می‌کند؛ تعیین شکل دولت دائم توسط مجلس مؤسسان انجام خواهد شد که بدین منظور اصول ۳۶، ۳۷،

سرنگونی سلطنت قاجار و تسلیم ایران به رضاخان در اسناد وزارت خارجه آمریکا

# والاحضرت اقدس رئیس‌دولت!

۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی را اصلاح خواهد کرد.» اقلیت مجلس این رویه را غیرقانونی خواند و وفاداری خود را به سلطنت اعلام کرد. بنا به قانون اساسی سلطنت به خاندان قاجار تفویض شده است. فقط با برگزاری یک رفراندوم عمومی واقعی می‌توان قانون اساسی را اصلاح کرد. جناح اکثریت معتقد بود تلگرام‌های ارسالی از ایالات و ولایات مختلف مبنی بر تقاضای خلع سلسله قاجار چنین اختیاری را به مجلس تفویض می‌کند. آنها همچنین به سابقه تغییر قانون اساسی در ارتباط با سازوکار انتخابات در سال ۱۹۰۹ در نتیجه تلگرام‌های ارسالی مردم از ایالات و ولایات مختلف اشاره کردند. بعد از ظهر امروز شهر چراغانی و آرام بود. موری اول نوامبر ۱۹۲۵ می‌نویسد: «امروز صبح یادداشتی از وزیر خارجه (مشارالملک) دریافت کردم که از این‌ قرار است: «جنش ملی که خواهان سرنگونی خاندان قاجار بود و روز به روز چهره خشن‌تری به خود می‌گرفت، چنانچه فوراً اقدام مؤثری انجام نمی‌دادیم منجر به انقلابی بزرگ و عواقب فاجعه‌آمیزی می‌شد. مجلس شورای ملی به منظور پایان دادن به این بحران لازم دید که به خواست مردم پاسخی دهد. لذا در ۳۱ اکتبر سلسله قاجار را از سلطنت خلع و ریاست دولت موقت را به حضرت اشرف، ریاست عالیه کل قوا، محول ساخت تا زمانی که مجلس مؤسسان تشکیل و دولت دائم تعیین گردد.» ولیعهد شب گذشته تهران را به مقصد بغداد ترک کرد. در محل حاضر هیچ عنصر مخالفی در مقابل این عمل اعتراض شده وجود ندارد، بویژه از آنجایی که بی‌طرفی بریتانیا بیشتر ظاهری است تا واقعی. بعضی از وطن‌پرستان ایرانی که با این روش‌ها مخالفند اکنون به ماهیت واقعی این رویداد پی برده‌اند. میلسیو به کار خود ادامه خواهد داد ولی از احتمال ایجاد مشکلات به سبب وجود اعمال قدرت غیرقانونی نگران است. سایر سفیران خارجه نیز انتظار دارند دولت‌های‌شان روش تغییر حاکم ادر ایران را مساله‌ای داخلی تلقی کنند، چرا که نظم حفظ شده و معاهدات نقض نشده‌اند». باقر کاظمی، کاردار ایران در آمریکا، ۲ نوامبر ۱۹۲۵ یادداشتی برای فرانک کلوگ، وزیر خارجه آمریکا، ارسال کرد که از این قرار است: «بنا بر دستورالعمل تلگرافی واصله از دولت متبوعم، احتراماً به اطلاع حضرت‌عالیه می‌رسانم به دنبال اظهار تفرغ عموم مردم ایران از سلطنت خاندان قاجار و قیام سراسری ملت ایران، مجلس در جلسه نهم آبان ۱۳۰۴ ۳/۱ اکتبر ۱۹۲۵ خود، سلسله قاجار را از سلطنت خلع و حضرت اشرف رضاخان پهلوی، فرمانده کل قوای ارتش، را تا زمانی که مجلس مؤسسان تشکیل شود و درباره دولت دائمی تصمیم بگیرد، به ریاست دولت موقت منصوب نمود». بریتانیا به سرعت رژیم جدید را به رسمیت شناخت: «وزیر مختار بریتانیا اجازه یافته است «موقتاً» رژیمی را که با تصمیم اخیر مجلس ملی ایران روی کار آمده تا وقتی که مجلس مؤسسان تصمیم نهایی را اتخاذ کند به رسمیت بشناسد، مشروط بر اینکه این رژیم تمام معاهدات و غیره را که در حال حاضر میان بریتانیا و ایران برقرار است، به رسمیت بشناسد و به تعهدات ناشی از آنها عمل کند و مجاز است با دولت موقت روابط تجاری برقرار سازد.» او امروز یادداشتی به این مضمون به «والاحضرت اقدس، رئیس دولت» تسلیم کرد.

**منبع: کتاب «از قاجار به پهلوی» دکتر محمدقلی مجد**



## ۲بال برای پرواز– ۱۱

- فرهاد ملامینى

در نوشتار پیشین به مسأله توحید پرداختیم و گفتیم خداوند متعال وجود دارد و اگر ما اکنون هستیم دلیل بر وجود او است، زیرا ما موجوداتی هستیم که در ذات خویش فقیریم لذا نیازمند به وجوددهنده هستیم اما در این مقال سر آن داریم تا به این موضوع بپردازیم که خداوند یگانه است یعنی کس یا کسانی نیستند که «نَدَ» و همانند او باشند. بد نیست با نام شخصی نیز آشنا شویم. او شبهه‌ای را مطرح می‌کند که برخی از اهل فن را از پاسخ عاجز می‌کند، از معارف اصلا مجال طرح نمی‌یابد؛ این شخص «بن‌کمون» نام دارد. او می‌گوید: «درست است که وجود واجب‌الوجود اثبات شد ولی معلوم نیست که واجب‌الوجودهای دیگری وجود نداشته باشند و دنیا را در میان خود تقسیم نکرده باشند یعنی هر کدام به بخشی از دنیا حکومت نکنند. خدایانی که مخلوقات هر کدام از ایشان آن خدا را خدایی واحد می‌دانند». آنچه بیان شد شبهه این‌کمون‌ است که به زبانی ساده عرض شد. برخی اندیشمندان می‌پندارند کسانی که معتقد به اصالت ماهیت هستند از پاسخ عاجز مانده‌اند. معتقدان به اصالت ماهیت کسانی هستند که می‌گویند اصل هر موجودی ماهیت او است یعنی چیزی که از بیرون دیده می‌شود و از جایی که آنچه در بیرون دیده می‌شود دارای عوارض خاص خود است، پس از اجزای مختلف ترکیب یافته است و محدوده دارد، لذا معتقدان به این روش فکری از پاسخ به سوال این‌کمون باز مانده‌اند. هرچند کسانی که ایشان را اصالت‌الماهییتی می‌دانند مانند سهروردی درباره خداوند و عقول مجرده قائل به ماهیت نیستند و ایشان را صرف‌الوجود می‌دانند ولی به هر روی جواب‌هایی در هر دو مکتب فکری یعنی چه کسانی که اصل را وجود و چه کسانی که اصل را ماهیت می‌دانند به شبهه این‌کمون داده شده است. ما هم جوابی را عرض می‌کنیم. اگر سوال‌کننده معتقد باشد خدایی بسیط و نامتناهی وجود دارد دیگر نمی‌تواند سوال خود را مطرح کند یعنی وجود موجودی نامتناهی همانگونه که از نامش پیداست جایی برای حضور و ظهور دیگری باقی نمی‌گذارد و اگر معتقد به این باشد که هر خدایی محدوده‌ای دارد دیگر موجود محدود نمی‌تواند خدا باشد، زیرا دارای بزرگ‌ترین نقص که همان محدودیت باشد است و اگر این خدایان در ذات مانند یکدیگر باشند پس یکی هستند و دوگانه نیستند و اگر با یکدیگر متفاوت باشند یعنی هر کدام کمالی داشته باشند که دیگری ندارد پس ایشان ترکیب یافته از نقص و کمال هستند که این با اعتقاد به واجب‌الوجودی که کمال محض است در تضاد خواهد بود و از جایی که واجب‌الوجود نمی‌تواند غیربسیط باشد یعنی محدودیت و ترکیب‌شدگی برای او با زلی بودن او منافات دارد پس نمی‌توان چند خدا را حتی در چند جهان در نظر گرفت و آن نیز از این رو است که اگر موجود ازلی ترکیب‌یافته باشد و محدود پس برای به‌وجود آمدنش نیز نیازمند دیگری است؛ از همین جاست که واجب‌الوجود باید بسیط و نامحدود و ازلی باشد و ترکیب‌یافتگی و غیرازلی بودن و محدودیت با اصل وجود او سازگار نیست؛ یا باید واجب‌الوجود را نپذیرفت یا اگر وجود او را بپذیریم باید او را کسی بدانیم که برای وجود داشتنش نیازمند دیگری نباشد و کسی که در وجود خود نیازمند دیگری باشد پس او مخلوق است و نمی‌توان خالق واجب‌الوجود را تصور کرد که وجود او ترکیب یافته از ضعف و قوت، بودن و نبودن باشد. البته آنچه بیان شد گذری کوتاه بر شبهه‌ای ریشه‌دار بود و همچنین پاسخی بود اجمالی به آنچه اهل فن بیان داشته‌اند. همانگونه که پیش‌تر عرض شد هم طرفداران اصالت وجود و هم پیروان مکتب اصالت ماهیت هر دو جواب‌هایی را برای این شبهه بیان کرده‌اند که ما از منظر اصالت وجودی‌ها جوابی را عرضه داشتیم. اطنان این موضوع بیش از این جایز نیست. شایسته‌است در نوشتار بعدی به امید پروردگار به مسأله توحید صفاتی و توجه به اسمای الهی که مظهر و تجلی‌گاه همان صفات در بازه کلمات هستند پرداخته شود. اسمایی که حقیقت ایشان در تمام شِوَوَن عالم تجلی دارد و عالم امکان همان نامشگاه اسمای الهی و تبلور صفات و اراده خداوند بی‌همتاست، زیرا وجود منشائی جز خداوند ندارد و موجودات به‌واسطه ارتباط و اتصال با آن ذات بی‌همتا مجال بروز و ظهور می‌یابند.